

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

Special Issue on Law and Ethics Innovations, 2022

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

The Symmetry of the Monastery and the Mosque-Mausoleum, the Basis of the Physical Development of Bastam Historical Complex

Ahmad Hosseini¹, Ahmad Ashrafi^{1*}, Hassan Shadpour¹

1. Department of History, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The collection of historical buildings of Bastam city in Semnan province is a collection of several historical monuments and architectural structures, which are of such importance and durability that over many centuries, the attention of the rulers of Iran has caused them to be restored and perfected. For this reason, the various works of this collection bear the mark of the Seljuq, Ilkhanid, Timurid, Safavid and Qajar periods. In the meantime, the buildings of the Ilkhanid and Timurid dynasties benefit from special features and characteristics and have made the said complex famous and prestigious. The aim of this research is the symmetry of the monastery and the mosque-tomb as the basis of the physical development of the historical complex of Bastam.

Methods: This research, relying on the descriptive-analytical method and with the library-field research approach, aims to answer the question that what was the underlying role of religious monuments in the physical development of the central core of Bastam's historical complex?

Ethical Considerations: The principles of trustworthiness, honesty, impartiality and text originality have been observed.

Results: Conclusions of the research shows that the monastery and mosque belonging to the famous mystic, Bayazid Bastami, played a role as an infrastructure core in the development of the memorial space in the center of Bastam and with the accreditation of Muhammad's shrine to these two primary buildings, the ground for the expansion of the area of subsequent constructions has been provided.

Conclusion: The skillful transformation of the Sufi place of worship into a mosque and a blessed tomb, created the survival of the physical space of the central core of the city of Bastam and with government supervision during the 8th and 9th lunar centuries, it led to the expansion of this complex.

Keywords: Bastam; Architecture; Ilkhanid; Bayazid Mosque; Physical Development

Corresponding Author: Ahmad Ashrafi; **Email:** a.ashrafi@gmail.com

Received: January 25, 2023; **Accepted:** February 28, 2023; **Published Online:** March 13, 2024

Please cite this article as:

Hosseini A, Ashrafi A, Shadpour H. The Symmetry of the Monastery and the Mosque-Mausoleum, the Basis of the Physical Development of Bastam Historical Complex. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e11.



تقارن صومعه و مسجد - بقعه، مبنای توسعه کالبدی مجموعه تاریخی بسطام

احمد حسینی^۱، احمد اشرفی^{۱*}، حسن شادپور^۱

۱. گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مجموعه بناهای تاریخی شهر بسطام در استان سمنان، فراهم آورده‌ای از چندین یادمان تاریخی و سازه معماری است که از چنان اهمیت و ماندگاری برخوردار است که در طول قرون متمادی، توجه حکومتگران ایران به مرمت و کمال‌بخشی آن را باعث شده است. به همین دلیل، آثار گوناگون این مجموعه، نشان دوره‌های سلجوقی، ایلخانی، تیموری، صفوی و قاجاری را بر پیشانی دارند. در این بین، بناهای دو دوره ایلخانی و تیموری از ممیزات و شاخصه‌های ویژه‌ای بهره‌مندند و باعث شهرت و اعتبار مجموعه مذکور شده‌اند. با نگرشی تاریخی - فرهنگی، هدف این پژوهش بررسی تقارن دو سازه اصلی فرهنگی - مذهبی هسته مرکزی بسطام و تأثیر آن در توسعه کالبدی مجموعه تاریخی آن است.

روش: این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد پژوهش کتابخانه‌ای - میدانی، بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که نقش زیربنایی یادمان‌های مذهبی در توسعه کالبدی هسته مرکزی مجموعه تاریخی بسطام چگونه بوده است؟

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که صومعه و مسجد متعلق به عارف نامی، بایزید بسطامی، به مثابه هسته زیربنایی در توسعه فضای یادمانی مرکز شهر بسطام، نقش ایفا کرده و با اعتباربخشی بقعه امامزاده محمد به این دو بنای اولیه، زمینه گسترش حیطة ساخت و سازهای بعدی فراهم شده است.

نتیجه‌گیری: تغییر شکل ماهرانه عبادتگاه صوفیانه به مسجد و بقعه متبرکه، موجب افزایش اعتبار و مرکزیت‌گرایی فضای کالبدی هسته مرکزی شهر بسطام شد و با نظارت حکومتی طی قرون ۸ و ۹ قمری، به گسترش مجموعه یاری رساند.

واژگان کلیدی: بسطام؛ معماری؛ ایلخانی؛ مسجد بایزید؛ توسعه کالبدی

نویسنده مسئول: احمد اشرفی؛ پست الکترونیک: a.ashrafi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Hosseini A, Ashrafi A, Shadpour H. The Symmetry of the Monastery and the Mosque-Mausoleum, the Basis of the Physical Development of Bastam Historical Complex. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. Special Issue on Law and Ethics Innovations*. 2022; e11.

مقدمه

بر پایه تعاریف جغرافیای قدیم، در حد فاصل خراسان بزرگ و عراق عجم، ایالتی به نام کومس یا قومس وجود داشته که از شمال به جبال البرز و از جنوب به دشت کویر محصور بوده است. سرزمینی با قدمت بسیار و در مسیر شاهراه شرق و غرب ایران زمین که امروزه به استان سمنان شناخته می‌شود، اما در بین شهرها و قرای این ایالت، شهر بسطام در ۵۵ درجه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۲۹ دقیقه جغرافیایی و در ارتفاع ۱۴۱۲ متری از سطح دریا از آوازه و ویژگی خاصی برخوردار است. شهری که جغرافیدانان مسلمان آن را در زمره یکی از سه شهر مهم ایالت قومس دانسته و از ویژگی‌های اقلیمی و محصولات زراعی آن یاد کرده‌اند (۱).

شهر بسطام از قدمتی بسیار طولانی برخوردار است. شاهد این مدعا وجود تپه باستانی سنگ چخماق در شمال شهر است که در دهه ۱۳۵۰ ش. / ۱۹۷۰ م.، ایچی ماسودا باستان‌شناس ژاپنی، با آزمایش کربن ۱۴ از نمونه‌های یافت‌شده در آن، قدمت سکونتگاهی بسطام را ۵۳۰۰ قبل از میلاد مسیح تعیین کرد (۲)، همچنانکه جغرافیدانان اسلامی از وجود بناهای عهد ساسانی در اینجا یاد کرده‌اند (۳-۴) که شاید به دلیل انتساب نام شهر به پیروز وستهیم حاکم کومس در دوره خسروی دوم ساسانی بوده باشد، اما شاید علت اصلی توسعه بسطام در دوران اسلامی را به قرن سوم قمری مرتبط دانست. زمانی که در بین سال‌های ۲۶۰-۲۵۸ قمری، یکی از نوادگان امام جعفر صادق (ع) به نام محمد که ظاهراً همراه بایزید بسطامی عارف مشهور قرن ۴ قمری، از مدینه برای ارشاد مردم بسطام به این خطه آمد، در اینجا از دنیا رفته و در محل فعلی دفن گردید (۵). اندکی بعد و به سال ۲۶۱ قمری و در پی وفات بایزید و دفن وی در جوار امامزاده محمد، بسطام مبدل به زیارتگاهی معتبر و محل رجوع زائران و مسافران گردید. این ویژگی ساختاری، سبب شده تا بسطام به عنوان یک مزارشهر تلقی شود که در آن، سازه آرامگاهی، شاخص کل شهر و معیار سازماندهی فضایی سکونتگاه انسانی قرار گیرد و سایر بناها در حالتی خفته و پنهان در کنار مزار چیده شوند با این وجود،

قرارگرفتن بسطام در مسیر شاهراه تجاری و زیارتی بین شرق و غرب ایران و پیوستگی شهر به منابع آب و فراورده‌های زراعی نیز مزید علت بوده تا به تدریج، این کهن شهر به مکانی مورد توجه نظام‌های سیاسی قرار گیرد و زمینه احداث مجموعه‌ای از بناهای متعدد در آن فراهم شود.

جای بسی خوشبختی است که درباره سازه‌های تاریخی بسطام، تألیفات متعدد و بسیاری موجود است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- برخی تألیفات، نگاشته ناظرانی است که در گذشته به بسطام سفر کرده و درباره ابنیه آن مطلب نگاشته‌اند، از جمله گردشگران خارجی متعدد، مانند جیمز بیلی فریزر (James Baillie Fraser)، نیکلای خانیکوف (Nikolai Khanykov)، هنری موزر (Henry Moser)، جرج کرزن (George Curzon) و شماری دیگر که در قرن ۱۹ میلادی در سیاحت‌نامه‌های خویش از یادمان‌های این شهر یاد کرده‌اند.

۲- شماری از کارشناسان متبحر در زمینه هنر و معماری، نظیر ارنست هرتسفلد (Ernst Herzfeld)، آرتور پوپ (Arthur Pope)، اولگ گرابر (Oleg Grabar)، دونالد ویلبر (Donald Wilber)، شیلا بلر (Sheila Blair)، شهریار عدل نیز بوده‌اند که درباره بناهای بسطام اظهار نظر و تحقیق کرده‌اند و بر جنبه‌های هنری و سنجش معماری این ابنیه تأکید داشته‌اند.

۳- تعدادی از کتاب‌ها و مقالات تدوین‌شده در سال‌های اخیر توسط محققان ایرانی قابل ذکرند که هرچند نام‌بردن از همه آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد، اما به مهم‌ترین آن‌ها اشاره‌ای خواهیم کرد:

مخلصی (۱۳۵۹ ش.) با مقاله «شهر بسطام و مجموعه تاریخی آن» بیشتر به توصیف شهر بسطام بر طبق منابع دست اول تاریخی و نیز آشناکردن خواننده با بقعه بایزید، مسجد جانبی، امامزاده محمد، گنبد غازان، مسجد جامع و دیگر بناهای مهم و طراز اول این مجموعه مبادرت داشته است. وی در این مقاله با ارائه تصاویر و پلان‌های متعدد از سازه‌های مذکور، تنها به معرفی مختصری از فضای کالبدی و مضامین کتیبه‌های

دزیانان (۱۳۸۸ ش.) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «جلوه‌های زیبایی در مجموعه بسطام» کوشیده است تا به زعم خود جلوه‌های زیبایی‌شناسی در کتیبه‌نگاری، کاشی‌کاری و گچ‌بری‌های ابنیه بسطام را بیان نماید. تحلیل مؤلف آن است که نقش‌مایه‌های انتزاعی در بناهای این مجموعه کوششی است برای گذر از وحدت به کثرت و رنگ‌ها از بی‌کرانگی و ابعاد عرفانی خبر می‌دهند.

میرآقایی (۱۳۹۳ ش.) با کتاب «بسطام پژوهشی» به جمع‌آوری چهارده مقاله در باب معماری، فرهنگ و تاریخ بسطام اهتمام نموده است. مقالاتی که شماری از خاورشناسان و پژوهشگران ایرانی نگاشته‌اند و مشتمل بر موضوعاتی، چون برج آرامگاهی پره‌دار بسطام، کتیبه برج آرامگاهی، مسجد جامع بسطام از دیدگاه باستان‌شناختی، بسطام به روایت ناصرالدین شاه و... می‌باشد. کتاب حاضر به دلیل علاقه و تجربه نویسنده آن به یادمان‌های بسطام، گرد آمده نسبتاً ارزنده‌ای درباره معماری شهر است.

علی‌ی (۱۳۹۵ ش.) در رساله دکتری با عنوان «پژوهشی در ادوار مختلف معماری مجموعه بایزید بسطامی: با تأکید بر دوران ایلخانی» به دلیل تعدد سوژه‌های تحقیق، بر بحث تاریخ‌نگاری معماری متمرکز شده و با تأکید بر اینکه بیشتر بخش‌های مجموعه بسطام عصر ایلخانی، در زمان حکومت غازان و اولجایتو ساخته شده، شناخت دو سبک غالب در معماری این دوران یعنی معماری رازی (عهد سلجوقی) و آذری (عهد مغول) را بحث کرده و به ریشه‌یابی و چرایی تکوین مجموعه تاریخی توجه نداشته است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و از طریق گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی و مراجعه به منابع نوشتاری و عرصه میدانی تحقیق صورت گرفته است.

مجموعه موفق شده است که البته برای خوانندگان آن زمان، ارزشمند تلقی می‌شده است.

باقری (۱۳۷۷ ش.) مؤلف کتابی با عنوان «مختصری از تاریخ بسطام» است و طبیعتاً تکیه اساسی وی بر بیان گذرای تاریخ شهر بسطام می‌باشد. نویسنده با ارائه تصویری از تاریخ شهر از کهن‌ترین ادوار تا دوران معاصر به طور ضمنی به ورود امامزاده محمد نواده امام صادق (ع) به بسطام و تأسیس بارگاه وی و وقایعی که منجر به ایجاد بناهای تاریخی در دوره مغولان و تیموریان شد، اشاره کرده و در پایان کتاب، فصلی را به آثار تاریخی و تکالیف قدیمی بسطام اختصاص داده که بسیار مختصر و توصیفی است.

لولویی (۱۳۷۸ ش.) در مقاله «شاهرود و مجموعه تاریخی بسطام» صرفاً به توصیفی گذرا از برخی بناهای مهم بسطام، نظیر مقبره بایزید، مسجد جامع و منار بسطام پرداخته و با اقتباس صرف از مآخذ در دسترس، به توصیف محراب گچ‌بری بقعه، کاشی‌های دالان الجایتو و نیز مسجد جامع بسطام پرداخته، بی‌آنکه تحلیل یا سنجشی درباره پس‌زمینه فرهنگی نقوش و آرایه‌های ابنیه مذکور داشته باشد.

صدیقی (۱۳۸۰ ش.) در مقاله «بررسی اجمالی جغرافیای تاریخی و معرفی برخی از بناهای مذهبی و مشاهیر شهر بسطام، شهر مشاهیر و بناهای مذهبی» صرفاً به توصیفات عمومی و گذرا از معرفی ابنیه خاص با کارکرد مذهبی، مانند سازه‌هایی چون امامزاده محمد، آرامگاه بایزید و مسجد جامع پرداخته است و از تبیین ارزش‌ها و تجلیات فرهنگ ایرانی - اسلامی در کلیت یا فروع بناهای تاریخی بسطام خودداری نموده است.

مهدی‌نژاد مقدم (۱۳۸۳ ش.) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نقوش مجموعه‌های تاریخی بسطام با تکیه بر نقوش دوره ایلخانان مغول» طی چهار فصل به مباحثی، چون توصیف بناهای ایلخانی، تزئینات بنا، نقوش و کتیبه‌ها و مصالح ابنیه مورد مطالعه پرداخته است، لیکن تأکید وی بر نقوش اسلیمی، هندسی و ترکیبی ابنیه و از منظر گرافیکی بوده است و تحلیل محتوایی را مد نظر قرار نداده است.

یافته‌ها

یکی از جهاتی که بر شهرت و اهمیت بسطام افزوده، وجود اماکن مذهبی و مقدس در این شهر است. اماکنی که از عناصر بنیادی قالب شهری و فرهنگ اسلامی در ساختار معماری ایران به شمار می‌آیند و نه تنها برای تأمین نیازهای روحی سکنه شهر، بلکه برای نشان دادن توجه دولت‌ها به عمران و توسعه متوازن شهری و فرهنگی ساخته می‌شدند. از این روست که به زعم کارشناسان، مطالعه تاریخی زیارتگاه‌هایی مانند بقاع بسطام می‌تواند اطلاعات بسیار ارزنده‌ای در زمینه فهم معماری ایرانی به دست دهد (۶). شایان توجه است که قداست و ارزشمندی این بناها، سبب شده تا از بهترین هنرها و تزئینات مکمل، اعم از کاشی‌کاری، نقاشی، گچ‌بری، آیینه‌کاری و سایر آرایه‌های معمارانه در این سازه‌ها استفاده شود و بر شکوه و زیبایی آن‌ها افزوده شود.

بحث

۱. دوره ایلخانی و توسعه مزارشهر: معماری دوره ایلخانان مغول که در ذیل سبک آذری معماری ایران اسلامی شناخته شده (۷)، در حقیقت مستقیماً از سبک آثار معماری عهد سلجوقی اقتباس شده است، زیرا معماری سلجوقی و ایلخانی از جنبه شرایط بروز و ظهور با هم شباهت تام دارند. هم در دوره سلجوقی و هم در دوره ایلخانی، بناهای مذهبی، از قبیل مساجد، مدارس، زیارتگاه‌ها و مقابر بر سازه‌های غیر مذهبی رجحان داده شدند. با این حال، در دوره سلجوقی معماری و طراحی در مرحله آزمایش بود، در صورتی که در دوره ایلخانی، مسأله عمده، تلفیق و ترکیب اشکال ساختمانی و تزئینی سازه‌های موجود بوده است.

نکته دیگر در خصوص ویژگی معماری عهد ایلخانی آن است که در این دوره، جزئیات بندکشی آجرها، گچ‌کاری و تزئینات کاشی‌کاری در کنار آجرکاری پیشرفته دوره سلجوقی تداوم داشت که اوج شکوفایی هنر کاشی‌کاری این دوره را می‌توان در گنبد سلطانیه ملاحظه نمود. ایلخانان پس از دستیابی به عناصر معماری تلفیقی، تلاش خود را صرف تزئینات بناها

کردند و برای این منظور از آجر به عنوان یک عنصر تزئینی استفاده کرده و سطح خارجی بناها را با آجر تزئین نمودند (۸)، در نتیجه غنی‌ترین طرح‌ها و فرم‌های تزئینی در دیوارها، پوشش‌ها، سقف‌ها و مناره‌ها از آجر ابداع شد. همچنین پوشش طاق آجری وارد تحول گسترده‌ای از تکنیک و اجرا شد که نمونه‌های آن را در گنبد‌های دو پوشش این دوران می‌توان دید. از آثار آجرکاری دوره ایلخانی می‌توان به مسجد ورامین و مسجد کبیر یزد، مسجد جامع اشترجان، مسجد فریومد و مسجد جامع بسطام اشاره نمود (۹).

بدین رو، معماران دوره ایلخانی، همه نقشه‌ها و مصالح و روش ساختمانی دوره سلجوقی را اقتباس کردند، از جمله طرح معماری آرامگاهی که الگوی معماران هر دو دوره بود (۱۰). در عصر ایلخانی، غالب مجموعه‌های آرامگاهی و به ویژه مقابر زهاد و عارفان، دارای سازه‌های پیوندی خدماتی، نظیر مسجد، مدرسه، خانقاه، اقامتگاه و مانند آن بود، مواردی که در مجموعه‌های پیر بکران در لنجان اصفهان، بقعه شیخ احمد تربت جام و مجموعه بایزید بسطامی قابل مشاهده‌اند.

لازم به ذکر است که یکی از مشخصه‌های دینی و فرهنگی دوره ایلخانی، فقدان قرائت رسمی از دین بود و بالطبع بستری را برای کثرت‌گرایی در سایه تسامح مذهبی مغولان، فراهم می‌ساخت. گرایش تشیع به عرفان و پرهیز تصوف از سیاست‌گرایی، زمینه پیوند بیشتر این دو نحله را فراهم نمود، در نتیجه پیوند اندیشه‌های شیعی - صوفی در قرون ۶ تا ۹ قمری، تأثیراتی را در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی بر جای گذاشت که یکی از مصادیق آن، رشد شهرسازی و معماری و ساخت و توسعه مساجد و خانقاه‌ها بود. افزایش شمار بناهای مذهبی و مرمت و فضا‌سازی بقاع شیعی یا صوفیه توسط کارگزاران حکومتی که بر اهمیت و اعتبار شهرهای برخوردار افزود، بدین‌خاطر بوده است.

عمده بناها و بازسازی‌های مجموعه بسطام مربوط به عصر ایلخانان و دو حاکم فعال این دوره، یعنی غازانخان و محمد خدابنده است. شیلا بلر در مقاله «الگوهای هنرپروری و آفرینش هنری در ایران دوره ایلخانیان» می‌نویسد: «بازدید غازان خان از مقابر مهم صوفیان در خراسان که خواجه

توجه به نظرات باستان‌شناسانی که محوطه را کاوش کرده‌اند، مشخص نیست که تاریخ دقیق‌تر ساخت مسجد اولیه چه زمانی است و اینکه محدوده زمانی بین سال‌های ۵۰ تا ۲۰۰ قمری را برآورد کرده‌اند، از ابهام مسأله نمی‌کاهد.

بر پایه پژوهش دو محقق معاصر درباره تشخیص عناصر مذهبی در شهرمزارهای ایرانی، مجموعه مزار و خانقاه بایزید، به عنوان عنصری مهم در ارسن شهری بسطام، در مقیاس پیکر شهر در بافت نمایان نیست و فقط عامل دارای تشخیص، برج کاشانه است که از لحاظ تشخیص، هویتی مستقل دارد (۱۶). با این حال، قرارگرفتن سازه متعلق به بایزید در کنار محور اصلی و تقاطع راه‌های اصلی و برخلاف موقعیت جانبی مسجد جامع، گواه دیرینگی و مرکزیت‌گرایی بقعه و مزار شیخ می‌باشد.

اصولاً بخش‌های مختلف مجموعه مرکزی بسطام شامل دو قسمت شمالی و جنوبی است که در کل بیست اثر در آن قابل شناسایی است تعدادی مربوط به پیش از عصر ایلخانی است، مانند مقبره و صومعه بایزید، مسجد اول پیرامون مقبره بایزید، منار عصر سلجوقی، مسجد جامع مربوط به دوره آلویه، اما شماری از ابنیه نیز در دوران ایلخانان مغول ساخته یا مرمت شده‌اند: مسجد دوم اطراف گور بایزید، مسجد ایلخانی یا مسجد زنانه، ایوان غربی، بقعه امامزاده محمد، گنبد غازانی، صومعه، دالان اولجایتو، مسجد جامع و برج کاشانه. سازه‌های دوره پساایلخانی را هم می‌توان چنین برشمرد: مزار بایزید، حمام قاجاری، صحن و حیاط مرکزی، مدرسه شاهرخیه، شربتخانه و رواق شمالی محوطه.

هرچند توسعه بناهای تاریخی - مذهبی بسطام، بر اساس گسترش کمی سازه‌ها در محیط پیرامونی آرامگاه بایزید بسطامی شکل گرفته است و در واقع، بناهای مرتبط با این عارف نامدار، هسته اولیه یادمان‌های تاریخی مرکز شهر را شکل داده، اما چنانکه پیش‌تر هم خاطر نشان شد، وجود مزار بایزید، تنها عامل ایجاد ساخت و ساز در بسطام نبوده و دیرینگی شهر بسطام و موقعیت سوق الجیشی و ارتباطی آن، در ایجاد ابنیه گوناگون در حومه و حتی محیط کانونی شهر نقش داشته است.

رشیدالدین با دقت بسیار آن را ثبت کرده است، مسلماً در توسعه این‌گونه بناها نقشی مهم داشت، چنانکه غازان و اولجایتو حامیان اصلی طرح بازسازی مزار بایزید بسطامی و مسجد جامع نزدیک آن در بسطام بودند» (۱۱).

مؤلفین کتاب «سیری در هنر ایران» بعد از آنکه به انگیزه ایجاد مجموعه‌ای از بناهای تاریخی بر مبنای محاط‌شدن بر بقعه یکی از اولیاء الله اشاره می‌کنند، چنین استدلال می‌کنند که: «این‌ها مجموعه‌هایی‌اند که به تدریج به دلیلشان و مرتبه خودشان اهمیت یافته‌اند. در این مجموعه‌ها معمولاً وجود یک مسجد اجتناب‌ناپذیر است. خانقاه و مدرسه‌ای نیز ممکن است به آن ملحق شود و غالباً آرامگاه اولیای دیگر را نیز شامل می‌شود. در میان این گروه‌ها می‌توان مجموعه‌های اردبیل، بسطام و نطنز را برشمرد» (۱۲).

در اینجا پرسشی که مطرح است، اینکه تجمیع بناهای مجموعه بسطام بر حول محور کانونی مرتبط با بایزید بسطامی بوده و اگر چنین است، مسجد بایزید را باید زیربنای اصلی ساخت مجموعه فرض کرد یا خانقاه و صومعه این عارف نامی را؟ اینکه هسته کانونی مجموعه بر مبنای جایگاه معتبر بایزید و اهتمام به تکریم وی بوده است، امری متمایز از بحث ماست. صرف نظر از ارادت ایلخانان به مشایخی چون بایزید و ساخت بناهای فاخر در سکونتگاه ایشان، چنین به نظر می‌رسد که همزمانی وجود مسجد اول و صومعه اول بایزید را، می‌توان مبنایی بر فرض کردن محل عبادت شیخ به عنوان هسته مرکزی مجموعه بناهای مورد نظر در این پژوهش قرار داد.

در حالی که باستان‌شناسان کاوشگر در بسطام، برآنند که صومعه بایزید مربوط به زمان حیات او و سده دوم است که در عهد ایلخانی یعنی قرن ۸ قمری بازسازی و تزئین شده است (۱۳). متون کهن گواهی می‌دهند: در همان زمانی که بایزید به مسجد رفت و آمد داشت، صومعه‌ای ساخت و گاه‌گاه در آن سکونت می‌کرد (۱۴) که این نظریه به مفهوم آن است که ساخت مسجد بر صومعه تقدم زمانی دارد. باستان‌شناسان برآنند که احتمالاً «هسته اولیه پیدایش مجموعه تاریخی بسطام گوشه شرقی این مسجد است» (۱۵). با این حال و با

بنای کنونی مسجد اول بایزید به شکل یک مکعب مستطیل بوده و حاوی کهن‌ترین آثاری است که تا به حال در مجموعه بسطام کشف شده است. در واقع مسجد در عمقی تقریباً یک متر پایین‌تر از مفرش فعلی مسجد قرار دارد و در قسمتی از دیوارهای خشتی آن، بخش کوچکی از یک نقاشی دیواری هویدا است که باید آن را به زمانی کهن‌تر نسبت داد. این نقاشی دیواری که در سال ۱۳۵۳ شمسی و طی خاک‌برداری قطعاتی از یک محراب گچی به دست آمد، هنوز مورد پژوهشی جدی و کامل قرار نگرفته است، اما مشخص است که هسته اولیه پیدایش مجموعه تاریخی بسطام، گوشه شرقی همین مسجد است.

چنین می‌توان تصور کرد که مسجد اول، فضایی کوچک و دارای محراب بوده که بایزید در آن نماز می‌گزارده است (شکل ۱)، سپس و به ضرورت افزایش فضای نمازخانه و پاسخگویی به نیاز مراجعان، فضای جنبی مسجد خریداری و به مسجد اولیه الحاق شده است. متعاقباً محرابی نیز در ضلع جنوبی این فضای جانبی احداث گردید که مجموع این فضای عبادی به مسجد اول بایزید پیوسته شد. بنابراین تاریخ ساخت مسجد اول مربوط به دوره ۵۰ تا ۲۰۰ قمری است تا آنکه مسجد اول تخریب و مسجد دوم روی مسجد اول ساخته شد (۱۸).

ظاهراً اختلاف بین اقوال پژوهندگان درباره دوره زمانی ساخت مسجد ناشی از در نظرنگرفتن مسجد اول و دوم است، چنانکه یک باستان‌شناس، ساخت مسجد را به زمان آل بویه نسبت داده است و دیگران، قرون اول و دوم را مبنا قرار داده‌اند (۱۵).



شکل ۱: محراب مسجد بایزید (۶)

همچنین نقش منسوبان بایزید در توسعه حریم کالبدی صومعه - مسجد را نباید از نظر دور داشت، چنانکه هفتمین و هشتمین نواب شیخ در قرن ششم با توسعه مسجد دوم و تجدید بنای صومعه، بر آن شدند تا بر بازپیرایی و اعتبار مجموعه تاریخی بسطام بیافزایند (۱۷).

علاوه بر آثار باستانی چون تپه سنگ چخماق یا قلاع اربابی حومه بسطام، فضاهایی از قبیل زیارتخانه، مدرسه، خانقاه، مسجد و دیگر بناهای اطراف میدان اصلی شهر، به مرور ایام و بر اساس نیاز روزانه و اهتمام حکومت‌ها ساخته شدند و مجموعه‌ای شگرف و دیدنی از انواع ابنیه که جلوه‌گر بالندگی معماری ایرانی - اسلامی است را در معرض دیدگان عموم قرار دادند.

۲. مسجد بایزید: از یک نگاه، مسجد بایزید، در مرکز ثقل محوطه‌ای قرار دارد که مجموعه مهم و ارزنده سازه‌های تاریخی بسطام را شکل داده است. بنایی که می‌توان آن را قلب مجموعه تاریخی بایزید بسطامی دانست و این نکته را نه فقط از جهت موقعیت سوق‌الجیشی آن در فضای کالبدی مجموعه که از وجود مرمت‌های متعددی می‌توان فهمید که در طول سده‌های متمادی در آن صورت گرفته است.

نویسنده یکی از متون رجالی سده پنج قمری، درباره ساخت مسجد روایتی قابل اعتنا بیان می‌دارد. به اذعان وی، بایزید بسطامی در تردد روزانه خود به مسجدی در محله سکونتگاهی خویش به نام وافدان، متوجه کوچک‌بودن فضای مسجد شد، پس: «یک شب از خاطرش چنان گذشت که ای کاش آن مسجد که در آن نماز می‌گزارد، فراخ‌تر از این بود و خدای در دل وافد چنان افکند که انبار گاهی که در جوار مسجد داشت، ضمیمه مسجد کند. چون صبح شد، بایزید را از این قصه آگاه کرد و گویند شبانه او را آگاه کرد و شکیبایی نداشت که صبح شود و در صبح او را خبر کند و مسجد را گسترش داد و همان است که مسجد درونی است» (۱۴)، بدین ترتیب مسجد اولیه و کوچکی که تاریخ ساخت آن نامشخص است، مبنای بنای مسجد موسوم به مسجد بایزید در قرن دوم قمری شد و بعدها در سده ششم، روی آن مسجد سومی بنا گردید.

از جنبه فضای کالبدی، مسجد دوم بایزید به شکل مستطیل (با ابعاد 10×60) و در دو ردیف ستون سه تایی با پوشش مسطح چوبی و ساختمانی آجری، با آجرهایی به ابعاد $4 \times 10 \times 22$ سانتی‌متر و $4 \times 10 \times 24$ سانتی‌متر ساخته شده است (۱۹). آجرکاری رواق مسجد (شکل ۲) گواهی از خلایق هنری و ترسیم مؤلفه‌های فرهنگی معماری ایرانی - اسلامی بر چهره مسجد دارد. بنا در سال ۵۱۴ قمری توسط رضی‌الدین محمد عیسی، هفتمین نایب بایزید ساخته شده است. بنایی که در مجاورت بقعه امامزاده محمد و در ضلع جنوبی صحن واقع شده و از جانب جنوب و شرق به حیاط پشتی مجموعه یا حیاط مدرسه شاهرخیه محدود می‌گردد. از سمت غرب نیز، به مسجد زنانه بایزید و از طرف شمال به مسجد جنب امامزاده محمد منتهی می‌گردد.



شکل ۲: آجرکاری رواق مسجد (۱۵)

سقف اولیه مسجد در سال ۶۹۹ قمری بازسازی شده و تا ۱۲۴۹ ق. / ۱۸۳۳ م. سالم مانده، اما به نوشته سیاح انگلیسی جیمز فریزر، در این سال در چند قسمت ترک برداشته (۲۰) و به تدریج فرو ریخته است. سقف و گچ‌بری‌های آن، اثر محمد بن حسین ابی‌طالب دامغانی بوده، ولی در عهد قاجار، به امر فتحعلی‌شاه سقف آن از چوب ساخته و بر روی شش ستون چوبی مستقر گردید. از گنبد و دیوار حائل اکنون چندان اثری باقی نیست.

همچنین قابل ذکر است که مسجد بایزید شامل دو شبستان است که شبستان بزرگ‌تر به شبستان مردانه و شبستان کوچک‌تر به شبستان زنانه مشهور است، اما نکته جالب آنکه فضای مشهور به شبستان زنانه یا زمستانی، در واقع، مسجدی بوده متعلق به دوره ایلخانی که فضای هشتی مجاور آن در این دوره احداث شده است (۱۲). در عصر ایلخانی، محمد بن حسین دامغانی، کتیبه‌ها و تزئیناتی را در این سازه تعبیه کرد که زیبایی چشم‌نوازی به مجموعه داد. کتیبه‌هایی به خط ثلث در اطراف محراب و نیز دور متأسفانه در دوره قاجار، کتیبه‌ای به خط نستعلیق بر روی کتیبه ایلخانی نقر شد که تا دهه ۱۳۶۰ شمسی، مانع از دیده‌شدن این اثر گران‌بها بود (۱۳). از آنجا که نمونه گچ‌بری‌های سقف شبستان، با گچ‌بری‌های محراب و کتیبه مسجد بایزید مشابهت دارد، لذا می‌توان این حدس را زد که تزئینات هر دو بخش، ساخته دستان هنرمند محمد بن حسین دامغانی معمار است، به ویژه که در کتیبه ضلع شمالی اتاق اول صومعه بایزید نیز، نام او دیده می‌شود و لذا واضح است تزئینات هر دو بنا همزمان صورت گرفته‌اند.

گچ‌بری‌های سقف به شکل دو نوار تزئینی با فواصل معین بوده و با جهت شرقی - غربی عرض سقف را می‌پیمایند. عرض این نوارهای تزئینی حدود سی سانتی‌متر است. گچ‌بری هلالی شکل اول که نزدیک به دیوار جنوبی است، در دو طرف انتهای خود دو کتیبه کوچک دارد. در قاب غربی عبارتی شبیه «ال... الکبیر» یا «ال... الکبیر» و در قاب کوچک منتهی‌الیه شرقی گچ‌بری، دو عبارت «اللااله» خوانده می‌شود که احتمالاً روی هم، این‌ها جمله‌ای در ستایش الله هستند.

یکی از اجزای نفیس و گران‌سنگ مسجد، درب قدیمی آن است که از سه لنگه تشکیل شده، دو لنگه آن به یکدیگر متصل‌اند، اما قسمت سوم مجزا می‌باشد. سرتاسر درب، مثبت‌کاری شده است و بسیار ظریف و در عین حال مستحکم ساخته شده، لیکن بخش‌هایی از آن را موربانه از بین برده است. عبارت شهادتین در سمت بالای در و با خط کوفی نوشته شده که ظاهراً سبک سلجوقی دارد (۲۲)، اما تردید نمی‌توان کرد که زیباترین بخش مسجد بایزید، محراب

شامل آیه‌الکرسی و دیگری که چندان خوانا نیست (۲۲). منار دارای تزئینات آجرکاری در طرح‌های هندسی گل و برگ به شیوه برجسته نیز می‌باشد. پلکان منار مارپیچی بوده و نور داخل راهگذر آن، به وسیله منافذی در بدنه مناره تأمین می‌شود (۲۳).

امروزه مسجد بایزید به همان صورت پیشین و توصیف‌شده در مآخذ پابرجاست و محراب نقره‌ای رنگ مسجد همچنان در چشم بینندگان خودنمایی می‌کند، ولی سفیدکاری مسجد که تناسبی از لحاظ معنا و رنگ با دیوارهای آجری مسجد ندارد، به ذوق ناظران لطمه وارد کرده و نمای اصیل مسجد را مخدوش می‌سازد (شکل ۳).



شکل ۳: نمای داخلی مسجد بایزید (۲۲)

۳. **صومعه بایزید:** دومین سازه‌ای که می‌تواند زیربنای اصلی توسعه مجموعه بناهای بسطام تلقی گردد، خانقاه بایزید بسطامی است که در سمت شمالی بقعه امامزاده محمد واقع شده و توسط غازان خان مغول مورد توجه قرار گرفت. گفته شده که غازان گنبدی در جوار آرامگاه امامزاده بنا کرد و خیال داشت پیکر بایزید را به آن محل انتقال دهد، ولی ظاهراً در خواب، بایزید را ناراضی دید و منصرف شد (۱۸)، لیکن در توسعه و ترمیم خانقاه شیخ تلاش جدیتری نمود. امروزه صومعه یا چله‌خانه یا زاویه، در ضلع غربی آرامگاه بایزید و در فاصله چهار متری آن واقع شده و متشکل از سه اتاق کوچک

گچ‌بری‌شده‌ای است که با نقوش هندسی، گیاهی، اسلیمی و گل‌های چهار پر مزین شده و در بخش فوقانی آن، کتیبه‌هایی به خط ثلث و نستعلیق، مربوط به دوره ایلخانی و قاجار دیده می‌شود. محراب شامل سه حاشیه گچ‌بری شده است که حاشیه اول آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ ... الخ» را دربر دارد و همین جملات در اطراف دیوارها و زیر سقف نیز به صورت مکرر گچ‌بری شده‌اند؛ در حاشیه دوم یک آیه قرآنی دیگر و در حاشیه سوم، بخشی از آیه‌الکرسی نگارش شده است (۲۲). یک کارشناس درباره محراب چنین نظر داده که: «محراب وفادار به سبک زمان خود است، گرچه ستون‌های بلند و ضخیم غیر عادی دارد که در حالت ویرانی کمی ناخوشایند می‌نماید. قاب حاشیه خارجی به ویژه خوب ساخته شده است. قاب بزرگ‌تر و اسپر داخلی، با نقش‌های تکراری ظریف سراسری، حاشیه کتیبه نسخ را جلوه‌ای شگرف می‌دهد. لوح خط کوفی در میانه محراب قرار دارد و پیچ و تاب مارپیچ‌های اسلیمی بالای قوس (سنتوری) دستاورد استعدادی بالاست» (۱۲).

از بخش‌های خارجی مسجد بایزید نمی‌توان غافل بود: در جلوی مسجد دالان سرپوشیده‌ای با دو راه به بیرون وجود دارد: یکی به کوچه پشت مسجد و دیگری به رواق حرم امامزاده محمد، اما نکته قابل ملاحظه اینجاست که بر روی در طرف کوچه، منبت کاری نسبتاً زیبایی دیده می‌شود که هر چند ظرافت آن به منبت کاری درب سه لنگه‌ای مسجد نمی‌رسد، اما از ارزش هنری آن نمی‌شود چشم‌پوشی کرد. در جلوی راهروی دوم که از رواق حرم امامزاده محمد به دالان مذکور می‌آید هم، درب دیگری قرار دارد که از قطعات بسیار کوچک چوبی ساخته شده، ولی به امتیاز و اهمیت دو در اخیر نمی‌باشد (۲۳).

افزون بر این، در سمت شرق مسجد بایزید، منار آجری زیبایی است که تاریخ ساخت آن ۵۱۴ قمری می‌باشد. این منار ۱۴ متری، باقیمانده مسجد دوره سلجوقی است و به سان دیگر مناره‌های عهد سلجوقی آکنده از نقوش هنری زیبای آجرکاری می‌باشد و در بخش‌های فوقانی آن مقرنس‌های آجری خودنمایی می‌کند. این منار دارای دو حاشیه خطی است، یکی

گچ‌بری شده: «أمر بعمارهُ هَذِهِ الصُّومَعَةُ الشَّرِيفَةُ الْمُبَارَكَةُ الْكَرِيمَةُ أَفْخَمَ الْكُفَات... فِي سَنَةِ إِثْنِي وَ سَبْعِمِائَةٍ». کتیبه خط ثلث دورتا دور صومعه هم، محتوی آیه‌الکرسی می‌باشد (۲۴). بالای محراب دو کتیبه دیگر دیده می‌شود، یکی مربع مستطیل با خط کوفی و دیگری به شکل نیم‌دایره و با خط عربی بدین مضمون: «قال النبي (ع)، المصلی یناجی ربه»، اما در اتاق سوم، جز یک محراب گچ‌بری شده که به نسبت دو اتاق دیگر بسیار کم‌نقش و کم‌تزئین است، کتیبه یا تزئین دیگری وجود ندارد (شکل ۵)، به علاوه سقف اتاق فاقد پوشش گچی بوده و به صورت آجرچین می‌باشد.

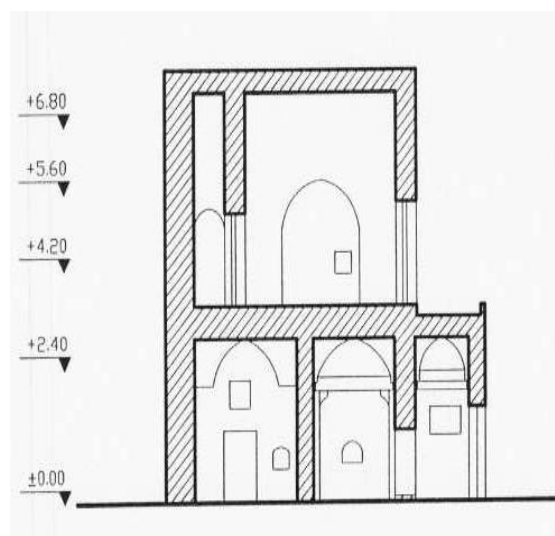


شکل ۵: محراب صومعه بایزید (۲۲)

امروزه صومعه بایزید به نحوی در قسمت جنوبی صحن ایوان غربی محبوس است که جا برای تخریب بنا یا تغییر وضعیت آن نیست، لذا معماری آن هنوز به همان وجهی است که در پژوهش معاصران درج است.

صحن امامزاده محمد، مقبره بایزید، گنبد غازان و مسجد و صومعه بایزید که در کنار یکدیگر و در یک محوطه متمرکز شده، دو راه به خارج دارد، یکی از قسمت شرقی و دیگری از سمت مغرب. درب ورودی شرقی، درب اصلی محسوب می‌شود. در جلوی این درب، دالان اولجایتو وجود دارد که معماری آن دارای امتیازاتی ویژه و منحصر به فرد است و شرح آن در این تحقیق نخواهد آمد (شکل ۶). همچنین مسجد جامع بسطام،

است، ابعاد اتاق اول $2 \times 1/5$ متر و اتاق‌های دوم و سوم هم 2×2 متر می‌باشند. شایان ذکر است که در ابتدا فقط دو اتاق شرقی که به یکدیگر مرتبطند، قابل دسترس بود تا اینکه اتاق سوم که واقع در انتهای غربی اتاق‌های دوگانه بود (شکل ۴)، در سال ۱۳۵۲ شمسی کشف شد.



شکل ۴: پلان صومعه بایزید (۱۵)

بنای صومعه از شرق به صحن اصلی مقابل قبر بایزید، از شمال به ایوان غربی، از جنوب به آرامگاه گمنام و از غرب به خیابان مجاور مجموعه محدود می‌گردد. دیوارها و سقف اتاق‌های این دیر، دارای گچ‌بری‌های زیبا و هنرمندانه‌ای است که توسط معماران دامغانی مجموعه در سده ۸ قمری خلق شده است: در داخل اتاق دو کتیبه زیر گچ‌بری شده:

۱- کتیبه اول: «قال سلطان العارفين و برهان الموحدين و قطب السالكين البایزید قَدَسَ سِرُّهُ وَ هَذِهِ الْآخِرُ وَ سُرُورُ فِي سُرُورٍ وَ مُحِبُّهُ اللهُ تَعَالَى ...» تا آخر.

۲- کتیبه دوم: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارُ وَ زُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّا لِحَسَنَاتٍ يَذْهَبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِذَاكِرِينَ وَ اصْبِرْ فَإِنَّ لِلَّهِ لَا يَضِيعُ أَجْرًا لِلْمُحْسِنِينَ.»

سند عملکرد معمار دامغانی، کتیبه گچ‌بری مقابل محراب است با این مضمون: «عمل محمد بن حسین بن ابی‌طالب المهندس بناء الدامغانی و اخوه حاجی غفرالله له و الوالدیه و للمؤمنین و المؤمنات»، همچنین بالای درب ورودی به اتاق دوم این کتیبه

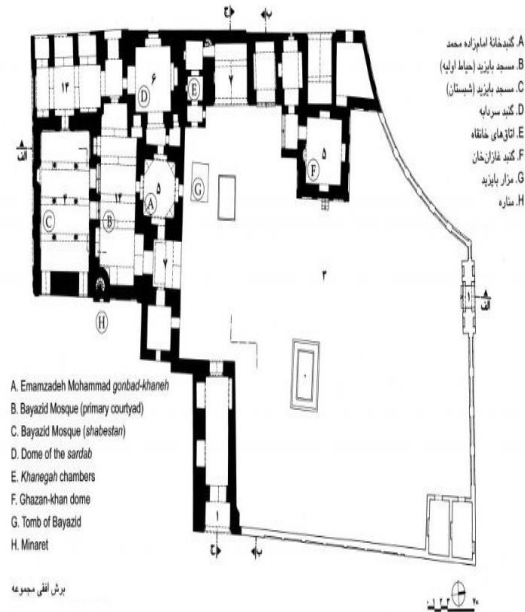
پابرجا و محل عبادت بودند، نقش اساسی را در ایجاد سنگ مزار بایزید انقطاعی وجود دارد هم می‌تواند موضوعی تحقیقی برای پیگیری روند توسعه شهری و تعدد یادمان‌های تاریخی بسطام در طی قرون متمادی باشد، به ویژه اگر در نظر گرفته شود که مساجد جامع در شهرهای باستانی، عمدتاً در مرکز شهر و بر روی آتشکده‌ها بنا می‌شدند.

که هرچند مابین آن و مجموعه سازه‌های متصل در اطراف مزار بایزید انقطاعی وجود دارد هم می‌تواند موضوعی تحقیقی برای پیگیری روند توسعه شهری و تعدد یادمان‌های تاریخی بسطام در طی قرون متمادی باشد، به ویژه اگر در نظر گرفته شود که مساجد جامع در شهرهای باستانی، عمدتاً در مرکز شهر و بر روی آتشکده‌ها بنا می‌شدند.

۱- با در نظر گرفتن قدمت کهن شهر بسطام، مسجد شهر در هسته اولیه و کانونی بسطام قرار داشته و توسعه فضای کالبدی شهر، متفاوت از گسترش اراضی زراعی، مدیون وضعیت مکانی مسجد بوده است.

۲- تردد و علاقه بایزید به مسجد شهر، در پی‌ریزی بنای خانقاه یا صومعه او در محدوده حریم مسجد تأثیر داشته است. ۳- تدفین امامزاده محمد در جوار مسجد و خانقاه، بر اهمیت این مجموعه سه‌گانه افزوده و موجب توسعه حریم بقعه و ساخت بناهای و الحاقی در محوطه اصلی شهر و ایجاد مجموعه سازه‌های موجود شده است.

چنانکه از شواهد تاریخی برمی‌آید، پیوستگی این بناها و تغییرات مرسوم در توسعه و مرمت این سازه‌ها، باعث شده تا ناظران و صاحب‌نظران درباره تاریخ ابنیه مذکور، گاه نظراتی کاملاً ضد و نقیض ارائه کنند، اما اینکه نخست مسجد و سپس خانقاه شخصی بایزید در محله وافدان، زیربنای ساخت تدریجی ابنیه متعدد و پیوسته در هسته مرکزی شهر بسطام شدند، قابل کتمان نیست. باید توجه داشت که به دلیل پیوند دیرپای مبانی فرهنگی تشیع و تصوف، همسازگری بقاع مذهبی شیعه با صومعه‌های صوفیه در حیطه معماری ایران اسلامی، چندان نامانوس و غیر منتظره نبوده است و به ویژه در قرون میانه تاریخ ایران، حمایت سلاطین از تکریم متصوفه و شیعه مابن اهل تصوف، سبب می‌شد تا در مواردی، مؤلفه‌های فرهنگی صوفیه و شیعه در آرایه‌های یادمان‌های معمارانه ایران خودنمایی کند. تعامل و انطباق هسته اولیه مجموعه بسطام که شامل دو بخش صوفیانه، یعنی صومعه بایزید و بخش یادمان شیعی یا همان مسجد - امامزاده جنبی بودند، باعث شد تا با جلوه‌گری این هسته اولیه، نظر سازندگان غیر بومی یعنی حکومتگران ترک و مغول به تکمیل و زیباسازی مجموعه جلب شود.



شکل ۶: پلان مجموعه اصلی بسطام (۱۵)

نتیجه‌گیری

مجموعه بناهای تاریخی بسطام به عنوان گلچینی از سازه‌های هنرمندانه و باشکوه دوره‌های تاریخ معماری ایران، چنان از اهمیت و آوازه‌های برخوردار است که تألیفات و تحقیقات بسیاری درباره آن نگاشته شده است، هرچند برای درک بهتر نحوه چیدمان یادمان‌های تاریخی و نگرش تاریخ‌مندی به مبلمان شهری در بسطام، بایسته است تا روند شکل‌گیری فضای کالبدی شهر و توسعه فیزیکی سازه‌ها در گذار تاریخ، مورد توجه و پژوهش جامع قرار گیرد، اما با نگاهی به ابنیه‌ای که در هسته کانونی شهر و در ارتباط با مهم‌ترین وجه اشتهاار مجموعه، یعنی مزار بایزید بسطامی و چند بنای پیوسته با آن، قرار دارند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسجد و صومعه بایزید که در سده‌های نخست قمری و تا اواخر عمر شیخ،

مشارکت نویسندگان

احمد حسینی: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع.
احمد اشرفی و حسن شادپور: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Lestrage G. Historical geography of Eastern Caliphate lands. Translated by Irfan M. 3rd ed. Tehran: Scientific and Cultural; 1998. [Persian]
2. Miraghai H, Masuda Y. Flint Hills. *Keyhan Farhangi Journal*. 2007; 243-244: 32-34. [Persian]
3. Abu Dolf MA. Abu Dolf's travelogue in Iran. Translated by Tabatabai A. 2nd ed. Tehran: Zowar; 1975. [Persian]
4. Hamawi Y. *Mu'jam ul-Buldān Dictionary*. Translated by Monzawi AN. Tehran: Culture Heritage Organization; 2001. Vol.1. [Persian]
5. Yaghmaei A. *Bastam and Bayazid Bastami*. Tehran: Saadat Press; 1938. [Persian]
6. Mokhlesi MA. Bastam city and its historical complex. *Athar Journal*. 1980; 1(2-3-4): 209-245. [Persian]
7. Pirnia MK. *Iranian architectural stylistics*. Tehran: Memar; 2002. [Persian]
8. Shekofteh A, Ahmadi H, Oudbashi O. Seljuk Brickwork Decorations and Their Sustainability in Khwarezmid and Ilkhanid Decorations. *Journal of Researches in Islamic Architecture*. 2015; 3(1): 84-104. [Persian]
9. Mashkoti N. *List of historical and ancient monuments of Iran*. Tehran: Department of Culture and Arts; 1970. [Persian]
10. Wilber D. *Islamic architecture of Iran during Ilkhanate period*. Translated by Faryar A. Tehran: Book Translation and Publishing Company; 1967. [Persian]
11. Bler SH. Patterns of art education and artistic creation in Iran during the Ilkhanian period: The case of Khwaja Rashiduddin. Translated by Kavousi V. *Golestan-e Honar*. 2008; 4(3): 32-47. [Persian]
12. Ackerman P, Pope A. *A Journey into Iranian Art, Architecture of the Islamic Era*. Researcher by Parham S. Tehran: Scientific and Cultural; 2007. Vol.3. [Persian]
13. Adl SH. *Bastam Historical Collection Report*. Tehran: Cultural Heritage Organization Documentation Center; No Date. [Persian]
14. Sohlghi MA. *Lighting office*. Translation by Shafiei Kadkani MR. Tehran: Sokhn Publications; 2005. [Persian]
15. Ghamari A, Irji S. *Building registration report*. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Organization; 2006. [Persian]
16. Hamzenejad M, Zaringhalam F. Typology of Recognizing the Religious Elements in Iranian Towns with a Holy Shrine. *Journal of Architecture, Urban Design & Urban Planning*. 2013; 5(9): 201-216. [Persian]
17. Miraghai SH. Investigation and analysis of the role of Bayazid Bastami and his associates in the creation: Restoration and expansion of Bastam's historical collection. *Qoms Culture*. 2020; 62-63: 163-186. [Persian]
18. Etemad al-Saltaneh M. *Tahreem al-Shams*. Research by Burhan Limoui T. Tehran: Farhangsara; 1983. [Persian]
19. Loloei K. *Shahroud and Bastam historical complex*. *Iran Recognized*. 2000; 15: 234-253. [Persian]
20. Freezer J. *Fraser's travelogue known as Winter Travel*. Translated by Amiri M. Tehran: Tos Publications; 1985. [Persian]
21. Adl SH. A new inscription in Bastam and a lost tomb tower of Hossam al-Dawlah in Sari. *The Quarterly Work*. 1986; 10-11: 175-183. [Persian]
22. Daneshmayeh J. The place of Bayazid mosques and Jame Bastam in Iranian architecture from the point of view of archeology and tourism development. *Proceedings of the Shahrood and Development Conference*. Shahrood: University of Technology; 1998. [Persian]
23. Seddiqi M. An overview of the historical geography and introduction of some religious buildings and famous people of Bastam: Bastam is a city of famous people and religious buildings. *Endowment of Eternal Inheritance*. 2009; 17(67): 58-75. [Persian]
24. Shafi'i MA. *Comprehensive history of Shahrood city*. Shahrood: Mohammad Ali Shafi'i Publishing House; 1999. [Persian]